

وضع قضا و محاکم در افغانستان

نوشته شده توسط تورنجنرال محمد آصف الم عضو گروه دبیران صفحه در گستره زنده گی

بخش نهم

به ادامه گذشته

اعزام سه افسر جهت فراگیری دانش حقوقی به ترکیه:

در وزارت دفاع چنین نظری به وجود آمد تا افسران چندی را جهت فراگیری دانش حقوقی به ترکیه اعزام کنند تا پس از فراغت از تحصیل به اصلاح و یا درستتر این که به نجات قوه قضائیه عسکری از چنین بی بندوباری ها بپردازند. در رأس صاحبان این نظر مرحوم دگر جنرال غلام فاروق خان لوی درستیز و محترم نذیرکبیرسراج رئیس لوژستیک وزارت دفاع قرار داشتند. از جانب ریاست تعلیم و تربیه وزارت کانکوری براه انداخته شد که افسران آتی الذکر نمرات عالی اخذ و به این بورس کاندید گردیدند:

۱ - دگرمن سید عثمان اندیشه افسر لوازم

۲ - جکتورن محمد عمر خان سرخرودی افسر پیاده

۳ - اینحانب تورن محمد آصف الم افسر انجیری

سید عثمان خان یک تن از شخصیت های با درایت و یک افسر لایق و با فرهنگ اردو بودند که قبلاً نیز در ترکیه در رشته لوازم تحصیل کرده زبان ترکی را مانند اهالی ترکیه فرا گرفته و تکلم میکرد. ایشان که بعداً تا رتبه جنرالی ارتقا نمودند، دارای خصایل نیکو و اوصاف عالی انسانی بوده در پاک نفسی شهره و از تمام بدی های زمانه مبرابودند. با اطرافیان، دوستان و مادونان خویش برخورد احترام آمیز داشته، انسانی بود دارای قلم توانا و کلام شیرین. از آمد و شدهای بعدی در یافتیم که سید عثمان اندیشه، کاندیدی بودند به جای شخصی که مقام ریاست محاکمات رملکیت شخصی خویش پنداشته و با اندیشه قرون وسطائی آنرا اداره کرده نو آوری و نو اندیشی را بدعت و گناه به حساب میاورد.

به هر صورت زمان سفر فرا رسید و ما سه افسر بار و بینه سفر بر بسته به جانب ترکیه حرکت کردیم. هواپیمای حامل ما بعد از توقف مختصر در تهران، جانب بیروت پرواز کرد. دوشب و یکروز را در بیروت در هوتلی به نام کدموس اقامت گزیدیم. در آن زمان بیروت بندرگاهی بود بزرگ دارای شمایل زیبا و هوای گوارا که در زیبایی با کشور های اروپائی همسری میکرد. گذشتاندن این مدت کوتاه ولی پر خاطره در هوتل راحت و کنار امواج پر تلاطم بحیره مدیترانه بسیار دلپذیر و خوشایند واقع گردید که تا امروز زیبایی و یاد آن در ذهنم نقش بسته است. با یک پرواز دیگر به انقره شهری که از داده هایش همیشه مشکورو ممنونم و با تداعی خاطره های زیبایش در ذهن خود احساس شور و هیجان میکنم، رسیدیم. چندروزی را در هوتلی سیری و سپس به مقامات رسمی مراجعه و با رئیس عدالت قوای مسلح ترکیه ملاقات کردیم. او هنوز فکر میکرد که ما سه افسر اعزام شده دارای تحصیلات حقوقی و سابقه کاری در دستگاه قضائی کشورییم و صرفاً جهت ستاژ قضائی به ترکیه آمده ایم؛ اما همینکه دانست ما غیر از آنیم به حیرت اندر گردید و گفت که تربیت پرسونل عدلی در ترکیه طوریت که فارغین صنف دوازدهم به فاکولته حقوق شامل میشوند بعد از ختم تحصیل حقوقی به ستاژ یکساله میپردازند و سه سال دیگر را تحت مراقبت قاضیان باتجربه آموزش بیشترمی بینند و بعداً به آنها حق داده میشود تا قضیه یی از قضایا رامستقلانه مورد رسیدگی قرار دهند؛ اما مقامات کشورتان برای شما به خاطر احراز کرسی قضا که وظیفه بس خطیر میباشد مدت کوتاهی را تخصیص داده که نا کافی میباشد. اگر دولت شما موافق باشد ما حاضریم که شما را بعد از فراغت از مکتب زبان جهت آموزش دانش حقوقی به فاکولته حقوق انقره معرفی نمایم تا به تحصیلات خویش ادامه بدهید. ما بعد از استماع این مطلب به سفارت افغانستان مقیم انقره رفته محتوای صحبت رئیس عدالت را با مرحوم علی احمد خان پوپل سفیر افغانستان در میان گذاشتیم. ایشان با اظهار خوشی و سپاس غائبانه از این کمک بی شایه ترک ها مکتوب مستند و مستدل از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دفاع افغانستان ارسال داشته در آن تقاضا کردند تا این چانس خوب و کمک دوستانه کشور ترکیه را تقدیر کرده به ما افسران اجازه تحصیل را در فاکولته حقوق اعطا فرمایند.

این نوشته سفارت و این درخواست آنقدر منطقی و برواقعیت ها و حقیقت ها استوار بود که ما فکر میکردیم با خوشی و سرور از جانب وزارت دفاع وقت پذیرفته خواهد شد و به این امید واهی جهت فراگیری زبان ترکی به مکتب زبان مصروف گردیدیم.

سه ماه واندی سپری گردیده بود که از جانب وزارت دفاع مکتوب نامستدل و غیر منطقی بی به جواب مکتوب سفارت موصلت ورزید و در آن تصریح نموده بودند که تحصیل ما در فاکولته حقوق بی لزوم بوده گویا ما از دانش حقوقی و قضائی بهره کافی داریم ورنه چگونه در امتحان کانکور به موفقیت نایل آمده ایم و ازین قبیل چرنديات و لاطائلات، که باید گفت: ده کجا درختان در کجا؟

مرحوم علی احمد پوپل ازین جواب بی سر و پا و برهم در هم وزارت دفاع که کمک بی شائبه و برادرانه کشور دوست ترکیه را با بی مبالائی رد کرده بودند تأثر عمیق نشان داده مکتوب دومی را قاطعانه و باین مضمون هدایت دادند: چون درین معامله هیچ گونه نقصان مادی و معنوی برای کشور ما در پیش نیست بناءً سفارت قاطعانه تصمیم گرفت که این سه افسر را به موافقه مقامات ترکیه جهت تحصیل به فاکولته حقوق انقره معرفی کند. ازین اجرات به شما خیر داده شد. اما گوش شنوا و منطق پر بار و دل پر تپش در آن سواحل کمبود بود و بار دیگر روی هر منظور و غرض و مرضی که بود این اجرات سفارت را نپذیرفته و نوشتند که وزارت دفاع به این سه افسر اشد ضرورت دارد آنها را بعد از انقضای مدت معینه آموزش دوباره به افغانستان اعزام دارید.

سفارت ازین جواب وزارت دفاع که در آن نه حقیقتی و نه منطقی وجود داشت متعجب گردیده و اجرات بعدی را بما واگذار شدند.

من که چنین دیدم یکبار دیگر تلاش کردم تا با نوشتن یک مکتوب شخصی عنوانی تورنجنرال نذیر کبیر سراج مشکل ریاست عدالت ترکیه و مشکل خود مبنی بر بی ثمر شدن اجرای وظایفی که وزارت دفاع به هدف تحقق آن ما را به این بورس اعزام داشته اند با دلایل مقنع و محکم توضیح کرده قناعت اولیای امور دفاعی کشور را فراهم آورم بناءً آنطوریکه بیادمانده است نوشتم:

ع، ش محترم تورنجنرال نذیر کبیر سراج رئیس لوژستیک وزارت دفاع!

در ملاقاتی که چندین بار با ریاست عدالت ترکیه داشتیم با شفافیت و با وضاحت کامل به ما بیان کردند که در ترکیه چنین کورس، مکتب و نهادی که بتواند تعدادی را طی مدت کوتاهی چنان با دانش حقوقی دانشور سازد که به حیث قاضی اجرای وظیفه نماید وجود ندارد، بناءً برای این مقصد باید شخص فاکولته حقوق رابه انجام رسانیده اقلأً سالی را در سناژ سپری نماید، در غیر آن ما مثر ثمری به شما نخواهیم شد. همچنان افزودند که قضا نیز مانند طبابت، انجنیری و غیره رشته های اختصاصی به دانش بخصوص خودش یعنی دانش و آموزش حقوقی ضرورت مبرم دارد. همچنان که بدون دانش طبی طبابت و بدون دانش انجنیری انجنیر شدن میسر نیست، قاضی شدن نیز مانند آنها بوده و بدون دانش حقوقی میسر نخواهد بود اگر این وظیفه به اشخاصی سپرده شود که درین رشته تحصیل نداشته باشند عدالت را دست و پا بریده و به تظم و استبداد می سپارد. بناءً اگر شما و وزارت دفاع مایل باشید که قضای عسکری از حالت قرون وسطائی به عصر حاضر وارد شود لطفاً به ما زمینه تحصیل را فراهم سازید بالاحترام .

محترم نذیر کبیر سراج که الحمدالله تا هنوز زنده و در قید حیات هستند و طبعی است که این موضوع مهم را به خاطر خواهند داشت به جواب مکتوب نگارنده نوشتند که :

برادر عزیزم محمدآصف تورن استحکام (انجنیری)

مکتوبت را خواندم و مرا تکان داد موضوع را با لوی درستیز صاحب (دگر جنرال فاروق خان ارکانحرب ترکیه) در میان گذاشتم. ما هر دو به این عقیده هستیم تا با همین تحصیل موجود بسنده کرده به وطن عودت کنید و قضای عسکری را که بیشتر به دوکان سماوارچی شباهت دارد ازین حالت نجات دهید و البته که در آینده هیچ مقامی مانع تحصیل شما نخواهد شد. ما با درک اوضاع بیشتر به خود متکی گردیده به مطالعه کتب حقوقی و سیاسی پرداخته از دوستان افغان و ترک در این باره یاری جستیم. من در خانه که زندگی میکردم سه جوان تحصیل کرده افغان که جوانان با دانشی بودند و در عرصه فرهنگی متمم همدیگر قرار میگرفتند نیز حضور داشتند؛ بشیر جان غازی علم جوان خوش سیما و با احساسی از این جمله بود که تحصیلات عالی خویش را در مسلک و ترنری به پایه اكمال رسانیده بود و به موازات آن دروس فاکولته حقوق انقره را نیز فرا میگرفت. تا آنزمانی که من با ایشان یکجا گردیدم او صنف سوم آن فاکولته بود. انسان با فرهنگ، لایق و وطن دوستی بود که لحظه بی از عمر شریف خود را به هدر نداده کتاب و قلم یار همیشگی و مستدام او بود. مردم فقیر و بیبنوی کشور در مرکز ثقل فکر او جا داشت. در مصاحبات با دوستان و همفکرانش در جستجوی راه بیرون رفت از شرایط قرون وسطائی که بر زحمت کشان و طبقات محروم جامعه افغانستان تحمیل گردیده بود تلاش می ورزید. من همیشه از کمکهای دوستانه آن دوست گرامی در عرصه فرهنگی و حقوقی سپاسگذار هستم.

ریاست عدالت ترکیه در عرصه نظامی نیز که در برابر نه گفتن های وزارت دفاع افغانستان، قرار گرفت مجبور شد تا مطابق به زمان دست داشته پروگرام فشرده ترتیب و جهت تطبیق آن مارا به محاکم مختلفی جهت آموزش نظری و عملی آن پروگرام معرفی نماید. ما نیز با اعتنای از فرصت جهت آموزش بهتر شب و روز از تلاش و کوشش باز نه ایستادیم و با آنکه درجه آموزش و فراگیری دانش حقوقی طوریکه ایجاب میکرد میسر نگردید؛ اما آنچه را به تناسب زمان تخصیص یافته برای این هدف بدست آورده بودیم و از دست آورد خویش راضی بودیم .

بالاخره زمان عودت به وطن فرارسید و ما باز گشتیم و به ریاست محاکمات وقت تعیین بست گردیدیم. بعد از سپری کردن مدتی در وظیفه قضائی به ماهیت نظام و بی عدالتی های ناشی از آن بهتر و خوبتر آشنا گردیدیم و این را نیز درک کردیم که مقرر می باشد که ما سه نفر در دستگاه قضائی عسکری در جهت بهبود کار هیچ مؤثریتی به بار نیاورده است چونکه همان آتش بود و همان کاسه از ما هیچ کس استفسار نکرد که در کدام رشته بی تحصیل کرده و در باره سیستم قضائی چه نظریاتی داریم. کماکان به این مطلب اصرار میکردند تا هرچه زودتر با سیستم جاری قضائی خود را آشنا ساخته به حل و فصل و رسیدگی به قضایا اقدام نمائیم. من که دیدم و دانستم که ما وسیله بی هستیم در دستان اربابان قدرت. عریضه بی ترتیب کرده نوشتیم که چون تحصیلات ما در رشته حقوق و قضا تکمیل نگردیده است، از مرجع مسئول تقاضا میدارم تا ما را یاری رسانند تا تحصیلات خود را در خارج و یا داخل کشور به انجام رسانیده و زمینه خوبتر و بهتر برای اجرای وظیفه قضائی را میسر سازیم در غیر آن ما به مسلک اولی ام انجیری باز گردانیده و تعیین بست فرمایند تا با خاطر آرام و آشنایی کاملی که به آن رشته دارم به اجرای وظیفه پرداخته مصدر خدمت گردم با احترام امضاء.

با آنکه از عواقب ناگوار و مشکلاتی که از اثر این عریضه عاید حال من و فامیلم خواهد گردید به کلی آگاهی داشتم اما عریضه مرتب شده را به سلسله مدیر شعبه خود تقدیم و منتظر جواب ماندم. سید عثمان خان اندیشه مدیر شعبه که شخص خیرخواه و عاقبت اندیشی بود با استدلال محکمی خواست مرا از این تصمیم باز دارد اما بر احساساتم غلبه کرده نتوانستم و به رجعت ورقه عرضم به مقام بالاتر تاکید ورزیدم . مدت مدیدی از آن سپری گردید، اما تقاضای من مبتنی بر برطرفی ام از مسلک قضا پاسخی نیافت تا آنکه در یکی از روزها جناب دگر جنرال رئیس محاکمات وقت در راه رفت از دفتر به بیرون با من ملاقی گردید و از مطلب عریضه تقدیم شده ام یاد آوری کرده فرمودند که ریاست محاکمات به دوام تحصیل شما موافقت داشته و مانعی درین مورد نمی بیند. اما از اینکه پروسیجر آن چگونه آغاز و از جانب کدام مرجع صورت خواهد گرفت توضیحی نداد و متأسفانه این مسئله آنطوریکه در حرف گفته شد در عمل تحقق نیافت.

بخشهای قبلی این سلسله از طریق لینک های زیرین قابل دریافت است:

بخش اول

[/https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1143121315773016](https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1143121315773016)

بخش دوم:

[/https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1149225721829242](https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1149225721829242)

بخش سوم:

[/https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1161649883920159](https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1161649883920159)

بخش چهارم:

[/https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1168253286593152](https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1168253286593152)

بخش پنجم:

[/https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1175571229194691](https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1175571229194691)

بخش ششم:

[/https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1210148769070270](https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink/1210148769070270)

بخش هفتم:

[/1281556098596203/permalink/929247713827045https://www.facebook.com/groups/](https://www.facebook.com/groups/1281556098596203/permalink/929247713827045https://www.facebook.com/groups/)

بخش هشتم:

بخش نهم:

<https://www.facebook.com/groups/929247713827045/permalink//1315186528566493>